

بازکاوی توحید مصاحف در زمان عثمان با رویکرد پاسخ به شبهات عدم تحریف در قرآن

مژگان احمدی^۱، تهمین فرزانة^۲، محمد مهدی کریمی نیا^۳، مجتبی انصاری مقدم^۴

^۱ طلبه سطح چهار (دکتری) رشته تفسیر تطبیقی، مدرسه عالی تخصصی ریحانة النبى (ص) اراک، فعال فرهنگی، پژوهشگر و مدرس

^۲ طلبه سطح چهار (دکتری) رشته تفسیر تطبیقی، مدرسه عالی تخصصی ریحانة النبى (ص) اراک، فعال فرهنگی، پژوهشگر، مدرس

^۳ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه (نویسنده مسئول)

^۴ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم

چکیده

از جمله مباحث عمده و گسترده در طول تاریخ قرآن بحث از جمع آوری و کتابت قرآن است. با وجود پذیرش نگارش قرآن در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اکثر اندیشمندان اسلامی پیدایش مصحف واحدی را به زمان عثمان نسبت داده اند. با توجه به اینکه اکثر مصاحفی که در زمان صحابه رایج بوده از میان رفته است بازکاوی توحید مصاحف در زمان عثمان و پاسخ به شبهات اهمیت دو چندانی دارد. مقاله پیش رو با رویکردی انتقادی و شیوه توصیفی-تحلیلی، ضمن بیان تاریخچه مصاحف و گزارشی از شبهات مطرح شده در این زمینه به نقد و بررسی هریک از آنها می پردازد. وجود شبهاتی چون تغییر و اختلاف مصاحف صحابه با مصحف عثمانی و مخالفت صحابه با آن، رسم الخط مصحف عثمانی، وجود اغلاط در مصحف عثمانی از جمله شبهات مطرح شده در این نوشتار می باشد. یافته های پژوهش حاضر نشان از آن دارد که جمع عثمان فقط توحید مصاحف بوده که با نظارت و تایید امام علی (ع) انجام گرفته است و امام (ع) با تایید قرآن موجود و صحه گذاشتن بر آن، راه را بر هرگونه تحریف و تغییری در قرآن بست. و ادعاهایی همچون اختلاف مصاحف، وجود اغلاط در صحف عثمانی و... که اندیشمندان مطرح کرده اند کاملاً بی اساس بوده و به صورت دقیق و اندیشمندانه در آن ها نگرش نشده چرا که به عنوان نمونه مخالفت افرادی چون ابن مسعود برگرفته از غرایض خاصی بوده و همچنین وجود اغلاط و اختلافات مصاحف عثمانی و... همه بی اساس بوده و در آن ها نگاه و تفکر همه جانبه وجود ندارد.

واژه های کلیدی: مصاحف عثمانی، توحید مصاحف، صحابه، عثمان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

خداوند متعال با هدف هدایت و راهنمایی انسان ها، کتاب آسمانی قرآن را فرو فرستاد و پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) راه در جهت تبیین معارف و مفاهیم برگزید. آن حضرت در جایگاه نخستین مفسر آیات گرانسنگ قرآن کریم، ائمه اطهار (علیهم السلام) به ویژه امام علی (علیه السلام) را همراه همیشگی قرآن و وارث گنجینه علم نبوی معرفی کرد.

هرچند کتابت قرآن از امور پذیرفته و بدیهی است. اما موضوع جمع قرآن از جمله حقایقی است که در میان گزارش ها، روایات و اخبار و مطالب ضد و نقیض دچار ابهام و پیچیدگی گردیده است. به طوری که روشن ساختن حقیقت مطلب در این باره دشوار است و با اینکه موضوع جمع قرآن یک مساله تاریخی است؛ در تبیین آن نمی توان تنها به گزارش های تاریخی موجود بسنده کرد بلکه باید از قرائن قرآنی و عقلی هم کمک گرفت.

۱-۱. بیان مسأله

بر پایه مطالب پیش گفته، در دهه های نخست اسلام مخصوصاً در دهه دوم و سوم هجری، به علت گسترش اسلام و ورود افراد تازه مسلمان، اختلاف قرائت فراوانی در میان آنها ایجاد شد که باعث نزاع و اختلاف میان آنها شد. از این رو تدوین مصحف واحدی را به دوران حکومت عثمان نسبت داده اند. سوال این است که بازکاوی توحید مصاحف در زمان عثمان چگونه بوده و شبهاتی که در این زمینه وجود دارد چه می باشند؟ از این رو لازم است که به بازکاوی توحید مصاحف در زمان عثمان با رویکرد پاسخ به شبهات عدم تحریف در قرآن پرداخت و میزان اعتبار آن را مورد بررسی قرار داد. از جمله شبهات مطرح شده در این زمینه عبارتند از: تغییر و اختلاف مصاحف عثمانی، اختلاف مصاحف صحابه با این مصاحف و مخالفت صحابه، رسم الخط مصاحف عثمانی، وجود اغلاط در مصاحف عثمانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱-۲. پیشینه تحقیق

پیرامون توحید مصاحف، دلایل و راهکارهای توحید مصاحف کتابها و مقالات فراوانی نوشته شده است. بررسی‌ها نشان از این دارد که فعالیت نوشتاری و پژوهشی که به صورت مستقل پیرامون موضوع بازکاوی توحید مصحف در زمان عثمان با رویکرد پاسخ به شبهات صورت نگرفته است.

هرچند کمبود پژوهش‌های مرتبط با عنوان اصلی مقاله مشهود است، اما برخی پژوهش‌های مرتبط با توحید مصاحف در زمان عثمان بدین شرح است:

۱. مقاله با عنوان بازخوانی انتقادی شبهات و تردیدها درباره توحید مصاحف نوشته فاطمه ژیان و محسن رفعت که با رویکرد انتقادی ضمن گزارش شبهاتی در این زمینه به نقد و بررسی آنها پرداخته و مخالفت افرادی مانند ابن مسعود را که دارای غرایض خاصی می‌باشند را مطرح نموده ولی به صورت جامع به این مباحث اشاره نشده است.

۲. مقاله با عنوان بررسی علل توحید مصاحف در عصر عثمان نوشته داود سلیمانی که در آن به عوامل اساسی اختلاف قرائت اشاره شده و به تطبیق مفهوم و معنای قرائت پرداخته است که در این مقاله نیز به صورت کلی به بیان مطلب پرداخته است.

۳. مقاله دیگری با عنوان ارزیابی آرای خاورشناسان پیرامون مصحف عثمانی اثر سید علی اکبر ربیع نتاج و زهرا اکبری که پیرامون شبهات خاورشناسان و نقد و بررسی آنها پرداخته است که در آن به منشاء دیدگاه آن‌ها که از منابع غیر معتبر می‌باشد پرداخته است و دلایل و شواهد معتبر عقلی و نقلی را مطرح کرده است.

۴. پایان نامه با عنوان بررسی جایگاه ویژه امام علی (علیه السلام) در جمع و تدوین قرآن و توحید مصاحف اثر خانم سکینه آل حبیب که در فصل پنجم آن به عصر عثمان و مسأله توحید مصاحف اشاره کرده و به صورت مختصر و با گذری بر شناخت عصر عثمان و شیوه جمع آوری قرآن در دوره عثمان به چگونگی توحید مصاحف و ارزیابی آن اشاره نموده اما به صورت صریح به این شیوه جمع آوری پرداخته نشده است و نگارنده با ذکر دلایل و شواهد قرآنی و روایی و تاریخی مسأله جمع را مطرح کرده و به صورت مستقل به توحید مصاحف در زمان عثمان به عنوان موضوعی مستقل اشاره نکرده است.

۳-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

به دلیل اهداف متعالی که خداوند متعال در پرتو آیات قرآن برای انسان رقم زده است و رابطه انسان با آیات وحی در سعادت او تاثیر بسزایی دارد کاوش جهت تبیین دقیق عدم تحریف در قرآن و پاسخ به شبهات همواره مهم و ضروری بوده است. لذا پژوهش حاضر کاوشی است در زمینه اثبات توحید مصحف در زمان عثمان و نقد و بررسی شبهاتی در این زمینه.

۲. بحث

۲-۱. مفاهیم

نخستین پایه موثر در شناخت موضوعات، شناخت مفاهیم به کار رفته در آن موضوع است؛ زیرا سلب و ایجاب نسبت به هر گزاره ای، تابعی از فهم واقعیت آن، از راه قوه ی ادراکی است. در کاوش حاضر، معنا و حقیقت واژه صحف و تحریف از زاویه لغوی و کاربردی و اصطلاحی مورد بررسی قرار گرفته تا شناختی صحیح، این واژگان به دست آید.

الف - مفهوم مصحف:

مصحف در لغت به معنای چیزی بوده که صحیفه‌ها در آن جمع شده است. یعنی چیزی که دارای دو رویه (جلد) بوده است و در آن اوراق جمع آوری و نگه داری می شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۹، ذیل واژه صحف، راغب اصفهانی ۱۳۸۷، ذیل واژه صحف).

صحف جمع صحیفه است و صحیفه صفحه ای است که بر آن می‌نویسند. واژه مصحف بعدها برای قرآن به کار گرفته شده است. (رامیار، ۱۳۸۹، ص ۹).

نام یا اصطلاح مصحف برای قرآن، بیشتر در زمانی رواج یافت که به شکل امروزی‌اش تدوین شد. هنگامی که پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) قرآن را یکجا جمع کردند و نوشتند آن را مصحف نامیدند. (خرمشاهی، ۱۳۸، ج ۲، ص ۲۰۶۵)

محمد باقر حجتی درباره نامگذاری قرآن به مصحف می‌نویسد: «برطبق منابع تاریخی اهل سنت، چنین استفاده می‌شود که نامگذاری قرآن به مصحف به زمان ابوبکر باز می‌گردد». وی پس از نقل روایات گوناگون در این زمینه به نقد و بررسی این نظریه پرداخته است. (حجتی، ۱۳۷۹، ص ۴۶۲)

باتوجه به تعاریف بالا می‌توان گفت تعریف مصحف یعنی همان قرآنی که در زمان ابوبکر نامگذاری شد.

ب- مفهوم تحریف

تحریف، مصدر باب تفعیل، از «حرف» است. حرف، کنار و جانب یک شیء است. (فیروزآبادی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۲۷) راغب اصفهانی که لغت را با نگاه قرآنی و تفسیری معنا کرده، در کتاب مفردات خود، تحریف در کلام را چنین معنا کرده: «تحریف الکلام أن تجعله على حرف من الاحتمال يمكن حمله على الوجهين»: تحریف کلام، آن است که کلام را به سوی احتمالی ببری که کلام، قابلیت حمل بر دو وجه را داشته باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲).

طبرسی در مجمع البیان نیز «تحریف در کلام را تغییر معنای واقعی کلمه دانسته است»، (طبرسی، ج ۱: ۲۸۴)

از نوشته‌ی ابن عاشور استفاده می‌شود: تحریف که از «حرف الشیء» است، آن‌گاه گفته می‌شود که میل به سمتی پیدا شود که مقتضی خروج از جاده و راه اصلی است. ایشان در ادامه‌ی سخن، تحریف مصطلح درباره‌ی قرآن را به بیراهه بردن و دگرگون کردن وحی برخلاف اصل، به تبدیل - که کم است - یا به کتمان برخی از آن و فراموشاندن برخی یا با تأویل بعید او معنای غیرواقعی [که بیشتر تحریف‌ها از این نوع است، معنا کرده‌اند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۵۰)

۲- تاریخچه مصاحف

پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و پذیرفته نشدن مصحف امام علی (علیه السلام)، علاوه بر زید، عده‌ی دیگری از بزرگان صحابه به جمع قرآن پرداختند. از جمله: عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، مقداد بن اسود، سالم مولی ابی حذیفه، معاذ بن جبل و ابوموسی اشعری. نخستین کسی که سوره‌های قرآن را مرتب نمود، سالم مولی ابی حذیفه بود. وقتی قرآن جمع آوری و روی اوراق نوشته شد، آنگاه خود و هم‌دستانش گرد هم آمدند و درباره‌ی نام آن به شور نشستند. برخی نام «سفر» را پیشنهاد کردند، سالم و دیگران آن را نپسندیدند؛ زیرا نام کتاب‌های یهود است. سپس سالم عنوان مصحف را پیشنهاد کرد و گفت: همانند این کتاب (صحیفه‌های جمع شده) را در حبشه دیدم که آن را «مصحف» می‌گفتند. همه‌ی حاضران نام مصحف را برای صحیفه‌های جمع شده پذیرفتند. (رک. ابن اثیر، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۱۲)

زمانی که مسلمانان به ارمنستان و آذربایجان لشکرکشی نمودند، بین سپاهیان عراقی و سوری در مورد شکل صحیح متن قرآن اختلافاتی به وجود آمد. اهل حمص قرائتی که منسوب به مقداد بن اسود بود را صحیح می‌دانستند، ولی دمشقیان و شامیان متن خود را برتر می‌شمردند. کوفیان و بصریان نیز هریک به قرائت عبدالله بن مسعود و ابوموسی اشعری عمل می‌کردند. زیرا

حذیفه، فرماندهٔ پرآوازهٔ سپاهیان پس از پایان جنگ به کوفه برگشت و در مجلسی در حضور حاکم کوفه، سعید بن عاص نگرانی خود را از این اوضاع بیان نمود و این مسئله را مشکل بزرگی برای آیندهٔ اسلام دانست. بسیاری از نخبگان آن روز سخنان او را تایید کردند، اما پیروان ابن مسعود قاطعانه بر درستی شیخ خود پافشاری کردند. پس از گذشت زمانی کوتاه حذیفه به مدینه آمد و دیدگاه خود را با عثمان در میان گذاشت. عثمان هم صحابهٔ قدیمی پیامبر را گرد آورد و آنان همه رأی حذیفه تایید نمودند. همین امر باعث شد تا خلیفه هیئت ی مرکب از زید بن ثابت از مدینه و سه قریشی اصیل از مکه به نام‌های عبدالله بن زبیر، سعید بن عاص و عبدالله بن حارث تشکیل دهد و آنان را موظف به تدوین نسخه‌هایی از قرآن بر اساس قرآن حفصه کند و در پایان کار، حفصه قرآن خود را پس گرفت و نسخه‌های قرآن را به مناطق مختلف فرستادند تا در آنجا به عنوان قرآن معیار مورد استفاده قرار گیرد. سپس تمام قرآن‌های قبلی را معدوم کردند. همگی با این تدابیر در همان مرحله‌ی اول موافقت کردند، اما کوفیان و ابن‌مسعود به مخالفت برخاستند. زمان تقریبی این رویداد را عموم مورخان زمان لشکرکشی به ارمنستان و آذربایجان در سال ۳۰ هجری دانسته‌اند. البته اگر ابن مسعود تا زمان تدوین نگارش نسخهٔ عثمان زنده بوده، در آن صورت این نسخه پیش از سال ۳۲ یا ۳۳ هجری، یعنی سال وفات ابن‌مسعود آماده شده است. اما دیرترین زمان ممکن برای نهایی شدن نسخه، زمان مرگ عثمان در پایان سال ۳۵ هجری است. (تئودور نلدکه، ۱۳۸۵ : ۱۲۷)

۳- توحید مصاحف در زمان عثمان و عدم تحریف آن

پیشنهاد یکی کردن قراءات مصاحف را حذیفه مطرح نمود. گفته شده او قبل از آمدن به مدینه، این مسأله را در کوفه با صحابه پیامبر در میان گذاشته بود و همگی پذیرفته بودن به جز ابن مسعود. عثمان نیز بر ضرورت چنین اقدامی آگاه بودند. اما این کار برای او آسان نبود؛ زیرا برای این کار نیاز بود همه‌ی مصاحف را از جمله مصاحف بزرگان صحابه‌باید جمع آوری می‌کردند. در این مورد عثمان، با صحابه مشورت نمود که همه‌ی آنان بر ضرورت چنین کاری توافق نمودند.

پس از مصمم شدن عثمان بر این کار، نماینده‌ی او به سوی «حفصه» (دختر عمر و همسر پیامبر) فرستاد و به او پیغام داد تا مصحف رسمی خلیفه اول را که در خانه اش بود برای استنساخ مصاحف به امانت در اختیار او گذارد. سپس عثمان کمیته‌ی مرکب از چهار نفر تشکیل دادند که عبارت بودند از: زید بن ثابت، عبدالله بن زبیر، سعید بن عاص و عبد الرحمن بن حارث، و به آنان امر کردند که چون قرآن به زبان قریش نازل شده است، اگر با زید بن ثابت (غیرقریشی) اختلاف پیدا نمودند قرآن را به زبان قریش بنویسند.

محمد بن سیرین تأیید می کند که عثمان دوازده نفر از قریش و انصار را برای این کار فراخواند و آنها مصاحف متعددی نوشتند. اسامی دوازده نفر را دقیقاً به دست نداده‌اند. اما بررسی روایات این اسامی را به دست می دهد: زید بن ثابت، سعید بن عاص، عبدالله بن زبیر، عبدالرحمن بن حارث (اعضای اولیه)، ابی بن کعب، مالک بن ابی عامر، کثیر بن افلح، انس بن مالک، عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمرو.

اولین اقدامی که از سوی گروه و به دستور عثمان انجام گرفت، جمع آوری تمام نوشته های قرآنی از تمام کشور پهناور اسلامی آن روز بود. عثمان از حفصه دختر عمر نیز خواست تا مصحف جمع شده در زمان ابوبکر را که پس از وی به خلیفه دوم و پس از او به دخترش رسیده بود و در خانه او نگهداری می شد، در اختیار گروه «توحید مصاحف» بگذارد. حفصه حاضر نبود آن را به آسانی تحویل دهد و به همین جهت عثمان سوگند خورد به صورت امانتی تحویل گرفته و پس از اتمام کار، آن را به وی برگرداند. از منابع برمی آید که این مصحف یکی از مصاحفی بوده که مورد استناد و مراجعه گروه توحید مصاحف قرار گرفته است.

در این مرحله، قرآن ها پس از جمع آوری و ارسال به مدینه به دستور خلیفه سوزانده و معدوم می شدند. بسیاری او را گرچه در اصل اقدام «توحید مصاحف» ستوده اند، ولی در زمینه سوزاندن و معدوم کردن قرآن ها مورد نکوهش قرار دادند.

یکی دیگر از مصحف های مورد استناد، مصحف ابی بن کعب بوده است. ابی، خود جزو هشت نفری بود که به گروه اول (چهار نفر) پیوست، و حتی به عقیده بعضی ریاست گروه دوازده نفره با وی بود. ابوالعالیه در حدیثی گفته است: «آنها قرآن را از مصحف ابی جمع نمودند. مردانی می نوشتند و ابی به آنها املا می کرد. گرچه مصحف ابوبکر و مصحف ابی نقش مهمی را در تدوین ایفا می کردند، ولی گروه از بررسی سایر نوشته های قرآنی نیز غافل نبودند.

ابوقلابه به نقل از انس بن مالک می گوید: گروه اگر در مورد آیه ای اختلاف می کردند، می گفتند: این آیه را رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به فلان شخص تعلیم داده است؛ پس کسی به سوی او فرستاده می شد؛ در حالی که در سه فرسخی مدینه قرار داشت و به او گفته می شد: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فلان آیه را چگونه به تو تعلیم داده است؟ او پاسخ می داد و کاتبان گروه که جای آیه را خالی گذاشته بودند، آن را می نوشتند.

پس از مرحله جمع آوری همه قرآن ها و سوزاندن آنها و مرحله کتابت و نگارش قرآن با یک قرائت، قدم بعدی، مقابله نسخه های قرآن های نوشته شده بود؛ تا از یکپارچگی و وحدت قرائت آنها اطمینان به عمل آید. البته می دانیم که خط در مرحله ابتدایی خود بود؛ حروف معجمه از غیر معجمه تشخیص داده نمی شدند؛ نوشتن «الف» در وسط کلمه مرسوم نبود؛ کلمات

اعراب نداشتند و به همین جهت با این که گروه دقت خود را نمودند، اما در رسیدن به هدفی که داشتند چندان توفیق نیافتند، و بعدها، دوباره میان قرائت های قرآن اختلاف به وجود آمد.

آخرین مرحله، ارسال مصاحف استنساخ شده به مناطق و مراکز مهم آن بود. با ارسال این مصاحف که با هر کدام، یک قاری نیز از سوی خلیفه اعزام می گشت تا قرآن را بر مردم قرائت کند، همه مردم موظف بودند از این پس تنها مطابق قرائت مصحف ارسالی، قرآن را قرائت نمایند. (جوان آراسته، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷).

روایاتی که از امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سایر ائمه معصوم (علیهم السلام) وارد شده، مبنی بر اینکه قرآن موجود در دست مردم همان قرآنی است که از سوی خدا نازل شده، هرچند با مصحف حضرت علی (علیه السلام)، که به خط خود تنظیم نموده، تفاوت دارد بر عدم تحریف این مصحف صحه می گذارد و از همین باب است که امامان (علیهم السلام) به شیعیان خود فرموده اند: «افرؤوا کما قرء الناس»؛ قرآن را همان گونه بخوانید که مردم می خوانند. مقتضای جمع میان این روایات و روایاتی که برای مصحف حضرت علی (علیه السلام) ویژگی هایی خاص برمی شمارد این است که مصحف کنونی از نظر ترتیب بعضی سوره ها یا آیات با مصحف حضرت علی (علیه السلام) تفاوت دارد، آن هم تنها تا حدی که هیچ اثری در معنای آن و نیز در اوصافی که خداوند برای قرآن برشمرده است، ندارد.

مرحوم علامه (ره) پس از اشاره به این روایات، می فرماید: مجموع این روایات با اختلاف اصناف آنها، دلیل قطعی است بر اینکه قرآنی که در اختیار ماست همان قرآنی است که بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده، بدون آنکه چیزی از اوصاف نیکو، آثار و برکاتش را از دست بدهد.

بنابراین، آیات قرآن با همین ترتیب کنونی نیز از هر تحریف به جابه جایی، که به هدایت، ذکر بودن، اعجاز و قابلیت استناد لطمه ای وارد سازد، مصون مانده اند. تنها طبق برخی روایات در ترتیب آیات در مصحف کنونی با مصحف حضرت علی (علیه السلام) تفاوت هایی وجود دارد که این تفاوت ها هیچ لطمه ای به حجیت این کتاب آسمانی و ارزش و اعتبار آن به عنوان پیام جاودانه الهی نمی زند.

مسئله عمده ای که در «جابه جایی آیات» می توان بر آن تأکید کرد این است که آیا تفاوت ترتیب آیات قرآن به شکل حاضر با مصحف حضرت علی (علیه السلام) مانعی برای تمسک به «قرینه سیاق» به شمار نمی آید و به تفسیر قرآن و کشف مراد خداوند آسیبی نمی زند؟ (اشرفی، ج ۱۲۲، ص ۴)

۴- شبهات و پاسخ به آن

بعد از بیان مفاهیم و مبانی عنوان تحقیق لازم است که نسبت مسأله‌ی مطرح شده شبهاتی را ذکر و پاسخ هر کدام از آنها را جداگانه بررسی شود.

الف- تغییر و اختلاف مصاحف عثمانی؛

اولین شبهه‌ای که در مورد مصاحف عثمانی وجود دارد تغییر و اختلاف این مصاحف می‌باشد. در این زمینه دیدگاه‌های متعددی وجود دارد و طبق گزارشاتی که وجود دارد میان مصاحف عثمانی اختلافات نه چندان زیادی وجود دارد (ر ک معارف، ۱۳۷۷: ۱۶) و ابن ابی داود سجستانی پاره‌ای از این اختلافات را نقل کرده است (سجستانی، بی تا: ۱۴۴) زرقانی از قرآن پژوهان اهل تسنن معتقد است که این اختلافات بر اساس حکمتی بوده، نه به جهت خطای نگارندگان (زرقانی، بی تا، ج ۱: ۲۵۱)؛ صاحب کتاب تفسیر المبانی آن را نتیجه گوناگون خواندن قرآن توسط رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در زمان‌های گوناگون دانسته و برخی این امر را ناشی از نزول قرآن بر هفت حرف دانسته‌اند (معارف، ۱۳۷۷: ۱۶) برخی نیز می‌گویند: این که یک کلمه را در مواضع متعدد به گونه‌های مختلف می‌نوشتند، نشانگر دوری آنان از قواعد نگارش است که نتوانستند رویه واحدی را در پیش گیرند (علاف، بی تا: ۱۲۴).

در پاسخ به این گزارشان مربوط به شبهات باید گفت که روایات «حرف سبعة» روایاتی غیر قابل استناد است که احتمالاً در قرن دوم هجری توسط زنادقه وضع شده است (معارف، ۱۳۷۷: ۱۸) به فرض صحت این روایات، برخی از علمای اهل تسنن بر ترک شش حرف در مصاحف عثمانی و نگارش آن بر اساس یک حرف از حروف هفتگانه تصریح کرده‌اند (جزری، بی تا، ج ۱: ۳۱)؛ طبق دیدگاه آیت الله معرفت باید گفت اختلاف این مصاحف ناشی از عدم دقت و مقابله صحیح میان مصاحف عثمانی بوده است (معرفت، ۱۳۸۱: ۱۰۸)؛ چراکه ابن ابی داود روایت می‌کند که برخی از مصاحف عثمانی قبل از مقابله، به برخی از نقاط فرستاده شد (سجستانی، بی تا: ۴۴) برخی از علمای اهل تسنن همچون ابن قتیبه (ابن قتیبه، بی تا: ۴۰-۴۱) ابن خلدون (ابن خلدون، بی تا، ج ۱: ۴۱۹) به این امر به تلویح یا به تصریح اشاره نموده‌اند. سؤال مهم آن است که آیا این اختلافات نشانگر آن است که در عصر یکسان سازی مصاحف، میان مسلمانان بر سر محتوای قرآن اختلاف وجود داشته است؟ گرچه مسلمانان از ابتدا در برخی از مسائل مربوط به قرآن همانند قرائات اختلاف داشتند و اساساً همین اختلافات انگیزه‌ای برای توحید و یکسان سازی مصاحف به دستور عثمان شد، اما اختلاف مصاحف عثمانی، به جهت نگارش مصاحف بر اساس قرائات

گوناگون نبوده است؛ زیرا هدف عثمان، توحید قرائت بود و قصد داشت از یک مصحف واحد، نسخه هایی را به مراکز مهم اسلامی همچون شام و کوفه و... بفرستد و قاعدتا نباید هریک از آنان را بر اساس یک قرائت می نوشتند؛ چراکه نقض غرض حاصل می آمد و لذا این اختلافات به سبب سهو و اشتباه کاتبان و عدم مقابله دقیق نسخه ها ایجاد شده است. مسئله دیگر آنست که قرآنی که هم اکنون در دست مسلمانان است، مطابق با کدام یک از مصاحف عثمانی است؟ آیت الله معرفت در پاسخ به این پرسش می نویسد:

مصحف کنونی ما، در بیشتر موارد با مصحف کوفه هماهنگ است، جز موارد اندکی (معرفت، ۱۴۲۵، ج: ۱، ۴۰۰) ایشان مستندی بر گفتار خویش بیان نکرده اند اما احتمالاً دلیل این امر مطابقت قرائت قرآن‌های در دست مردم با قرائت قرآء کوفی است. عثمان برای ایجاد وحدت قرائت با هر قرآنی که به شهرها می فرستاد یک قاری آشنا به قرائت اصلی قرآن، همراه می کرد. این قاری همان کار علائم اعراب را انجام می دادند. با قرآن کوفه عبد الرحمن بن سلمی، را همراه کرد (سیوطی، ۱۴۱۶، ج: ۱، ۲۳۵؛ بیلی، بی تا: ۱۸) که خود شاگرد حضرت علی (علیه السلام) و استاد عاصم (یکی از قراء سبعة) است و همان گونه که می دانیم در اکثر ممالک اسلامی قرائت رایج، قرائت عاصم به روایت حفص است (صابر حسن، ۱۴۲۰: ۱۹۰) و لذاست که گفته شد علت هماهنگی مصحف کنونی با مصحف کوفه، هماهنگی قرائت کنونی با قرائت قاری مصحف کوفه است. با پذیرش این احتمال وجه برتری مصحف کوفه نیز روشن می شود؛ زیرا قرائت مصحف کنونی با قرائت قاری مصحف کوفه منطبق است. قاری کوفه و شاگردان وی نیز التزام به قرائت روایت متواتر بین مسلمانان داشتند.

بنابراین طبق مطالب پیش گفته هدف عثمان از توحید مصاحف توحید قرائت بود به خاطر اینکه مسلمانان در قرائت قرآن اختلاف داشتند.

ب- اختلاف مصاحف صحابه با مصاحف عثمان و مخالفت صحابه

یکی دیگر از شبهاتی که در بحث توحید مصاحف عثمان مطرح است این است که، برخی ادعا نمودند که مصاحف عثمان با مصاحف صحابه تفاوت دارد و گروهی از صحابه با این مصحف مخالفت کرده اند از جمله این صحابه را ابن مسعود و امام علی (علیه السلام) ذکر کرده اند. ذهبی در کتاب خود نوشته است:

با نگاهی به گزارشات رسیده از ماجرای توحید مصحف چنین بر می آید که عثمان با تمامی صحابه معروف پیامبر مشورت کرد به جز ابن مسعود و او با اقدام عثمان در مورد مصاحف به مخالفت برخاست. نظر جانبدارانه از عملکرد عثمان آنست که سکونت ابن مسعود در کوفه (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۴۹) و عدم مهارتش در نگارش آیات موجب کنار

نهادن او در مقام مشورت و اقدامات توحید مصاحف شد. میخائیل لکر اندیشور یهودی اظهار می‌دارد که انتخاب زید موجب افزون شدن حسادت برخی صحابه از جمله ابن مسعود شد (آزادی، جانی‌پور، ۱۳۹۱، ص ۲۰۲) دکتر محمد شرعی، یکی از نظریه پردازان اهل تسنن در زمینه تاریخ قرآن می‌نویسد: قالوا ان استنکار ابن مسعود طعن فی جمع القران و هو دلیل علی ان القران الذی بین ایدینا لیس موثقاً: مخالفت گروهی از صحابه از جمله ابن مسعود با توحید مصاحف، موجب طعن گروهی بر عدم وثوق به قرآن‌های موجود شده است (شرعی، ۱۴۱۹، ۱۷۵) افزون بر ابن مسعود، افرادی همچون بلاشر، امیر مؤمنان (علیه السلام) را نیز در صف مخالفان یکی کردن قرآن‌ها در عصر عثمان بر شمرده‌اند (بلاشر، ۱۳۷۴، ص ۵۹) اما گرچه در گزارشات تاریخی سخنی از حضور حضرت امیر (علیه السلام) در کارگروهی که عثمان در توحید بازخوانی انتقادی شبهات و تردیدها درباره توحید مصاحف سازمان دهی کرده بود، یافت نمی‌شود، اما موافقت ایشان با روند یکسان‌سازی از جمله گزارش‌هایی است که می‌توان بدان استناد جست؛ برای نمونه می‌توان از این روایت بهره گرفت که امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: به خدا قسم! آنچه در مصاحف انجام شد، جز با مشورت ما صورت نگرفت (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱؛ ۲۱۳؛ عسقلانی، ۲۰۰۳: ۴۱) یا این عبارت: «فَعِن مَّا فَعَلَ ذَلِك، فُلُو وِلِيَتِ مِنْهُ مَا وَلِيِ عُثْمَانَ لَسَلَكْتَ سَبِيلَهُ» (هرکس بنویسد فعل این مصحف را از ماست و هرکس پشت کند به آن از ما نیست روش عثمان منطبق بر روش ماست) (ابن اثیر، ۱۳۸۶ق، ج ۳، ص ۱۱۲) شرعی در کتاب خود ذکر نموده که تنها فردی که از میان صحابه به مخالفت با اقدام عثمان پرداخت ابن مسعود است. گاه چنین وانمود می‌شود که نارضایتی ابن مسعود صرفاً به خاطر انتخاب افرادی چون زید بن ثابت بوده است (شرعی، ۱۴۱۹، ص ۱۵۷) و در دفاع از انتخاب زید بن ثابت برآند که گزینش و رجحان او بر ابن مسعود به صلاح امت اسلامی بوده است؛ چرا که او قرآن را به دستور ابوبکر نیز فراهم آورده بود (شرعی، ۱۴۱۹، صص ۱۵۲-۱۳۵) در حالی که ابن مسعود پیش از شروع کار توحید مصاحف و تشکیل کارگروه جمع قرآن، با طرح توحید مصاحف حذیفه در مسجد کوفه، مخالفت کرده بود (سجستانی، بی‌تا، صص ۷۰-۷۱) گرچه او به انتخاب زید بن ثابت برای جمع‌آوری قرآن نیز معترض است و می‌گوید: آیا مرا کنار می‌گذارند و در جمع قرآن فراموش می‌کنند در حالیکه از زبان پیامبر هفتاد سوره را آموختم و در حالیکه زید بن ثابت با کودکان دیگر بازی می‌کرد و من اعلم صحابه به کتاب خدایم (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۳: ص ۹۹۳) اما مخالفت وی صرفاً به جهت انتخاب زید نبوده بلکه مهمترین سبب مخالفت ابن مسعود، اختلاف نظرات و انتقادات وی به شخصیت و عملکردهای عثمان است و لذاست که ابن مسعود از تسلیم مصحف خود به عثمان خودداری کرد (همان) و در مسئله مدیریت‌های مالی عثمان نیز اعتراضات آشکاری داشت تا جایی که عثمان فرمان داد تا او را مضروب سازند، به گونه ای که دنده‌هایش شکسته شد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ص ۱۷۰؛ طبری، ۱۴۱۵: ص ۲۱۷) اما در تحلیل

سخن نقل شده از ابن مسعود در اعتراض به عثمان نباید از نظر دور داشت که اعلم الناس بودن ابن مسعود به کتاب خدا، نظر شخصی خود اوست. در حالیکه او غیر معصوم است (شرعی، ۱۵۹:۱۴۱۹) و لذا احتمال خطایش در قرائت و درک مفاهیم قرآن می‌رود و از سویی دیگر با وجود افرادی هم‌چون امیر مؤمنان (علیه السلام) در میان صحابه چنین ادعایی پذیرفتنی نیست. گرچه می‌توان سخن او را در مقام محاجه با خصم توجیه نمود. از سوی دیگر اندک بودن سن زید بن ثابت نیز دلیلی بر عدم وثوق مصاحف عثمانی به شمار نمی‌رود؛ چراکه سن اندک زید بن ثابت دلیل بر عدم دقت او در نگارش آیات نیست و چه بسا افراد جوان در پاره ای از امور دقت بیشتری از افراد کهنسال داشته باشند. کما آنکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز گاه افراد جوانی همانند اسامه بن زید بن حارثه را به امور خطیری همچون فرماندهی سپاه، می‌گماشت (بلاذری، انساب الأشراف، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ص ۴۷۳) بنابراین سخن نقل شده از ابن مسعود نه دلیلی موجه بر خطای انتخاب زید است و نه حجتی بر شایستگی ابن مسعود بر سایرین.

نکته آخر آنکه مخالفت‌های ابن مسعود به هر روی و با هر داعیه‌ای بوده باشد، مهم آنست که او بعدها با مصاحف عثمانی موافقت کرد و اگر این مصاحف فاقد اعتبار بود یا مخالفتی با قرآن منزل بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) داشت، موافقت او پس از گذشت زمان، موافقت با تحریف قرآن به شمار می‌رود!! لذا از موافقت او می‌توان نتیجه گرفت که مخالفت‌های گذشته او به جهت بی‌اعتباری مصاحف عثمانی نبوده است. (سجستانی، بی تا: ص ۸۲) طبق گزارشاتی که از منابع مختلف شیعه و سنی وجود دارد شبهه ایی که در زمینه ی مخالفت صحابه از جمله ابن مسعود و امام علی (علیه السلام) با مصاحف عثمانی وجود دارد کاملاً بی اساس بوده، چراکه تاریخ نامی از امام علی (علیه السلام) به عنوان مخالف نبرده است و مخالفت ابن مسعود هم به خاطر انتخاب زید بن ثابت بوده و اگر مخالفتی از طرف ابن مسعود وجود داشته باشد بعداً او مصاحف عثمانی موافقت کرد.

ج- رسم الخط مصاحف عثمانی

یکی دیگر از شبیهاتی که پیرامون مصاحف عثمانی وجود دارد اشکال در رسم الخط این مصاحف آن است.

چنانچه مشکلی که از دیر باز تاکنون مسلمین با آن مواجه هستند، دشواری قرائت قرآن از روی مصاحفی است که به اصطلاح مطابق با رسم الخط مصحف عثمانی است، در مصاحفی این چنین، مکتوب با منطوق یا مرسوم با ملفوظ هماهنگی ندارد؛ چرا که در مکتوب، حذف و یا زیادت و یا تبدیل و تغییر حروف وجود دارد که نمی‌توان قرآن را بر طبق آنها قرائت کرد. و این وضع تاکنون بر سر پا مانده و تخلف از رسم الخط یاد شده در امر نگارش قرآن از نگاه شمار زیادی از علماء معاصر و متقدم، بدعت به شمار می‌رفته و کاری گستاخانه و مرفوض و بلکه تحریف قلمداد شده و می‌شود.

قاری قرآن هم اکنون و بلکه از زمانی بس دور و دراز نمی‌داند و یا نمی‌دانست کلماتی را که کتابت آن در قرآن بر خلاف آموزه او از خط عربی است چگونه قرائت کند.

-وقتی به کلمه «الرَّحْمَن» می‌رسد متحیر می‌ماند آن را به چه صورت بخواند، چون حرف الف را بعد از میم مشاهده نمی‌کند؛ (حذف).

-یا در کلمه «اولئک»، طبق آموزه خود، واو را بعد از همزه تلفظ می‌کند، با اینکه قرائت صحیح به او رخصت چنین کاری را نمی‌دهد، و علاوه بر این بعد از لام نیز حرف الف دیده نمی‌شود، و مشکل دو چندان می‌گردد: (اضافه و حذف). و بدین‌سان در کلمه «مائة» ناگزیر باید طبق رسم قیاسی الف را اظهار و تلفظ کند با اینکه نباید آن را به تلفظ در آورد: (زیادت) و...

از این رو در تلفظ کلمات قرآن خطاها و لغزش‌هایی وجود داشت که بسیاری از مسلمانان معاصر و پیشین-در تلفظ و یا املاء قرآن بدانها با مشکل مواجه می‌شدند و می‌شوند. و آن چنان دشواری و لغزش به هنگام قرائت قرآن برای آنها پدید می‌آید که نمی‌توان از آن چشم پوشید؛ مگر کسانی که قرائت قرآن را از دوران خردسالی-بر اساس رسم الخط مصحف عثمانی فرا گرفته و با قرآن انسی به هم رساندند که عده کمی از آنها از چنان خط و احساس دشواری مصون می‌باشند، البته این مصونیت، چنانکه اشاره شد بیشتر ریشه در حفظ و حافظه دارد نه در کتابت و رسم عثمانی.

در پژوهش پیش رو بر این مسأله که آیا رسم مصحف عثمانی، توقیفی است؟ پاسخ ما در این باره منفی است. آن‌گاه نمونه‌هایی از تفاوت مکتوب و ملفوظ را در قرآن کریم که ناشی از حذف یا زیادت و یا کیفیت دیگر است-دسته بندی کردیم، سپس مزایا و حکمت‌های مربوط به رسم مصحف عثمانی را با ذکر مثال‌ها به طور فشرده بررسی نمودیم. از آن پس نقدهایی را که بر این حکمت‌ها و مزایا مطرح شده یاد کردیم، و سرانجام در اثبات توقیفی نبودن رسم مصحف اشاره‌ای به گذشته بحث نمودیم. و پیشنهادهایی را که علماء برای حل مشکل قرائت قرآن مکتوب هماهنگ با رسم مصحف عثمانی خاطر نشان شده‌اند مطرح کرده و به این نتیجه رسیدیم که پیشنهادهای ارائه شده نیز نمی‌تواند این عقده را برای همه قاریان قرآن بگشاید.

البته مثال‌ها و نمونه‌های رسم مصحف عثمانی که در این مقال ضمن نقض یا ابراز مباحث آمده همه نمونه‌ها و همه مباحث مربوط به موضوع مقال را تشکیل نمی‌دهد.

در پایان این بررسی‌ها به این باور رسیدیم که باید تحولی در رسم قرآن به منظور تسهیل در امر قرائت-در مصحف کریم به عمل آید، و مانعی شرعی و دینی برای ایجاد چنین تحولی وجود ندارد تا راه برای قرائت قرآن از روی مصحف هموار گردد، و

دشواری آن از میان برخیزد. (حجتی، سید محمد باقر، رسم الخط مصحف عثمانی: اسرار، حکمت و مزایای آن؛ دشواری قرائت مصحف و راه حل آن، پژوهش دینی، ش ۱۷، ص ۱-۲)

اکنون این سوال مطرح می شود که با توجه به دلایل مختلفی که در زمینه ی عدم تحریف قرآن وجود دارد چگونه می توان این عدم تحریف را با اشکال مختلفی که در رسم الخط مصاحف عثمانی وجود دارد سازگار دانست؟ بدیهی است قرآنی که به وسیله کاتبان وحی که جمع کثیری از اصحاب بودند نوشته می شد و شب و روز در نمازها و غیر نمازها تلاوت می گشت و حافظان بسیار زیادی داشت چیزی نبود که دست تحریف بتواند به سوی آن دراز شود. با بررسی سیر تکاملی کتابت قرآن از صدر اسلام تا به امروز چنین به دست می آید که هرگز رسم الخط و ضبط کتابت قرآن کریم توقیفی و الزامی به شکل خاصی نبوده است و بهترین دلیل بر این مدعا، اضافه شدن نقطه و علامات فراوان املائی است که قطعاً در عصر نزول وجود نداشته است و در کتابت آن روز عرب نوشته نمی شد ولی بعدها برای اینکه غیر عربها بتوانند قرآن را صحیح بخوانند در کتابت قرآن آورده شد و نمونه های آن، قرآن های با رسم الخط های مختلف عربی، ترکی و اردو می باشد که امروز در دسترس ماست.

این رسم الخط های مختلف متأسفانه برای بسیاری از خوانندگان قرآن حتی بسیاری از عربها مشکل آفرین شده است و باید رسم الخط واحد شفاف و روشنی که برای همه سهل و آسان باشد، انتخاب شود. بررسی رسم الخط عثمان طه اکنون با این مقدمه به سراغ مشهورترین نسخه ای که امروز در دست مسلمین است، می رویم و اشکالات مهم آن را مورد بررسی قرار می دهیم.

مشهورترین نسخه قرآنی که امروزه در میان مسلمانان رواج دارد و هر سال، میلیون ها نسخه از آن، در سراسر جهان چاپ و منتشر می گردد، نسخه قرآن معروف به خط «عثمان طه» می باشد. (پایگاه اطلاع رسانی آیت الله ناصر مکارم شیرازی) و اما ذکر این نکته ضروریست که رسم الخط قرآن توقیفی نیست و ما الزامی به رسم الخط معینی نداریم، زیرا؛

اولاً:

آنچه که میان تمامی فرق اسلامی، اجماعی است «نزول قرآن به صورت الفاظ معین» می باشد و ملاک اساسی در قرائت قرآن، نقل سینه به سینه و شنیدن آن از زبان پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله (صل الله علیه وآله) بوده است، و کتابت ها همیشه متفاوت بوده است.

ثانیاً:

امروز رسم الخط واحدی در دست نداریم که به طور قطع و یقین بتوان آن را به صدر اسلام منتسب نمود. بهترین شاهد، وجود قرآن های منسوب به قرون اولیه در موزه ها و کتابخانه های مهم جهان و کشورهای اسلامی می باشد که از نظر املایی با رسم الخط موجود متفاوت است.

ثالثاً:

کشور عربستان که ناشر قرآن به خط عثمان طه است برای مسلمانان هند و پاکستان، قرآن هایی را چاپ و توزیع نموده که با رسم الخط این قرآن، تفاوت بسیار دارد. (همان)

بنابراین در بحث شبهه ی رسم الخط مصاحف عثمانی نگاهی را که به این مسأله داشتند وجود تفاوت هایی در نوشته ها و منطوق این مصاحف بود و تفاوت رسم الخط در زیادت و حذف حروف می دانستند. پاسخی که در این زمینه وجود دارد این است که رسم الخط عثمانی توقیفی نبوده و باید تحولی در امر رسم الخط قرآن صورت بگیرد تا امر قرائت تسهیل شود.

د- وجود اغلاط در مصحف عثمان

از جمله ایراداتی که بر مصاحف عثمانی وارد نموده اند و دست آویزی جهت بی اعتباری این مصاحف بیان کرده اند این است که مصحف عثمانی با قواعد عربی تطبیق ندارد و دارای اغلاط فراوانی است.

همچنان که در پاره ای از گزارشات آمده که مصاحف عثمانی مشتمل بر اغلاط و مخالف با قواعد عربی است و این امر خود نشانی از بی اعتباری این مصاحف است؛ نقل شده هنگامی که مصاحف نوشته و بر عثمان عرضه شد و او در آنها چندین غلط (لحن) پیدا کرد و گفت: آنها را تغییر ندهید؛ زیرا که عربها به زودی آنها را در قرائت خود تصحیح خواهند کرد. اگر کاتب از قبیله ثقیف بود و املاءکننده از قبیله هذیل چنین حروفی در آن پیدا نمی شد (سجستانی، بی تا: ۳۳-۳۲) هشام بن عروه بن زبیر از پدرش نقل می کند که از عایشه در مورد خطای در این آیات پرسیدم: «ان هذان لساحران» (طه/ ۶۳) «والمقیمین الصلوة والمؤتون الزکوة» (نساء/ ۱۶۲) و «انا لذین آمنوا والذین هادوا و الصابئون» (مائده/ ۶۹) او در پاسخ گفت: ای پسر خواهر من! این کار کاتبان است که در کتابت خطا کرده اند (سجستانی، بی تا، ج ۳۴، ص ۱۰۴) زبیر بن ابی خالد نیز به ابان بن عثمان می گوید: چگونه است که در آیه: «لکن الراسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما انزل الیک و ما انزل من قبلک و المقیمین الصلوة و المؤتون الزکوة» (نساء/ ۱۶۲) قبل و بعد آن (مقیمین) رفع دارد ولی آن منصوب است؟ گفت: این کار از سوی کاتب بوده، هنگامی که کلمات پیش از مقیمین را نوشته، پرسیده است که چه بنویسم؟ گفته شده: بنویس (المقیمین الصلوة) و او هم چنین نوشته است (سجستانی، بی تا، ص ۳۳) مجموعه این گزارشات و مشابهاات آن، گروهی از علمای اهل تسنن همانند فراء (ابن ارس، ۱۱: ۱۴۰۴) ابن قتیبه (ابن قتیبه، بی تا: ۴۰- ۴۱) و ابن خلدون (ابن خلدون، ۱۴۱۰، ج ۱: ص ۴۱۹) و برخی صاحب نظران شیعی مذهب همانند آیت الله معرفت (معرفت، ۱۳۸۱: ۱۲۴- ۱۲۷) را بر این اعتقاد کشانده است که قرآن مشتمل بر اشتباهات املایی است. در واکاوی این مطلب جا دارد تا به ابهاماتی در این باره پاسخ گفت؛ نخست آنکه گزارشات بیان شده از چه درجه اعتباری برخوردار است؟ دوم آنکه نظرات اندیشمندان اسلامی در مورد رسم الخط مصاحف عثمانی چیست؟ و در آخر نیز آیا به دور از منقولات مطرح شده، اغلاطی در رسم الخط قرآنی وجود دارد و آیا این اغلاط موجب بی اعتباری مصاحف می شود؟

بنابراین باید گفت وجود اغلاطی که در مصحف عثمانی ادعا شد دلیلی بر بی اعتباری این مصاحف نیست، چراکه صاحب نظران شیعی قائلند که این قرآن مشتمل بر اشتباهات املایی است که نیازمند رفع ابهام است. رسم الخط عثمانی بخاطر کاستی های فراوانی که دارد اصلاح آن لازم و ضروری است زیرا این اشتباهات در مصحف گاهی معنا را تغییر می دهد و گاه قرائت را بسیار مشکل می سازد. در شبهه ی بالا مطرح شد که رسم الخط قرآن توقیفی نیست و این توقیفی نبودن باعث می شود که از اغلاط آن صرفه نظر شود، هر چند که با توجه به عدم تحریف قرآن و انتقال قرآن بدون کوچکترین اشتباهی توسط حافظان وحی نشان از این دارد که هیچ گونه تحریفی در قرآن اتفاق نیفتاده و این اغلاط جزئی خدشه ای به قرآن وارد نمی کند.

نتیجه گیری

با توجه به مواردی که در متن فوق گذشت نتایج ذیل قابل برداشت است :

۱. برخلاف نظرات دانشمندان اهل سنت، مخالفت های افرادی همچون ابن مسعود با مصاحف عثمانی، دلیل بی اعتباری آن مصاحف نبوده بلکه نشانی از مخالفت و اختلاف سلیق میان ابن مسعود و عثمان بوده است.
۲. اختلاف مصاحف عثمانی ناشی از عدم دقت و مقابله صحیح میان مصاحف عثمانی و ارسال مصاحف به شهرهای مهم مناطق اسلامی قبل از مقابله کامل میان آنها نبوده است.
۳. با وجود اختلافاتی که در مصاحف، شبهات و تردیدهای طرح شده به اعتبار این مصاحف لطمه ای وارد نخواهد کرد و در نهایت به مصاحف مورد استفاده مسلمانان که در واقع نسخه برداری از این مصاحف است خدشه ای وارد نیست.
۴. رسم الخط عثمانی توقیفی نبوده و وجود خطاهای نوشتاری در این مصاحف غیر قابل انکار است.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین، (۱۳۸۶ق)، الكامل فی التاریخ، ج ۳، بیروت: دار صادر.
۲. ابنطاووس، علی بن موسی، بی تا، سعد السعود للنفوس منضود، قم: دارالذخائر.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰)، التحریر و التنویر، تونس: دار التونسیه للنشر.

۴. ابن منظور الافريقي، محمد بن مكرم، (۱۴۱۸)، لسان العرب، ج ۱۳ چاپ دوم، بيروت.
۵. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۴۱۱)، تاريخ التراث العربي، ج ۱، چاپ سوم، نجف: انتشارات اشرفيه .
۶. ----- (۱۴۰۳)، الفهرست، چاپ دوم، كتابخانه عمومی آيت الله مرعشی.
۷. ابنعبدالبرّ، يوسف بن عبدالله، (۱۴۱۲)، الإستيعاب، تحقيق على محمودالبجاوي، ج ۳، بيروت: دارالجيل.
۸. بلاذري، احمد بن يحيى، (۱۴۱۷ق)، انساب الأشراف، تحقيق سهيل زكار و رياض زرکلي، ج ۱، بيروت: دارالفكر.
۹. بلاشر، رژی، (۱۳۷۴)، در آستانه قرآن، ترجمه محمود راميار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. تئودور نلدکه، فريدريش شوالی، (۱۳۸۵)، تاريخ القرآن، ترجمه: مرتضى كرمي نيا، نيويورک.
۱۱. جوان آراسته، حسين ، (۱۳۸۰)، درسنامه علوم قرآنی، قم: انتشارات بوستان كتاب.
۱۲. حجتی، سيدمحمدباقر، رسم الخط مصحف عثمانی: اسرار، حکمت و مزایای آن؛ دشواری قرائت مصحف و راه حل آن، پژوهش دينی، ش ۱۷.
۱۳. خویی، سيد ابوالقاسم، (۱۳۹۵ق)، البيان في تفسير القرآن، بيروت: دارالزهرا.
۱۴. زرکشی، محمد بن بهادر، (۱۴۱۰ق)، البرهان، ج ۱، چاپ ۱، بيروت: دارالمعرفه.
۱۵. زرقانی، محمد عبدالعظيم، بی تا، مناهل العرفان في علوم القرآن، ج ۱، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۱۸. ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد، (۱۴۱۳ق)، سير أعلام النبلاء.
۱۹. شعيب ارنووط و حسين اسد، ج ۱، بيروت: مؤسسه الرساله.
۲۰. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، (۱۳۸۸)، المفردات في غريب القرآن ، چاپ چهارم. دمشق: دارالقلم.
۲۱. سجستانی ، ابي بكر عبد الله ابن ابي داود سليمان بن الاشعث ، مصحف سجستانی .
۲۲. العلامة عبدالهادی الفضلی، القراءات القرآنية: تاريخ و تعريف، مركز الغدير.
۲۳. عسقلانی، ابن حجر، (بی تا) ،فتح الباری ، بيروت: دارالمعرفه.

۲۴. غنیم، محمود، ۱۳۸۶، «الرسم العثماني للمصحف»، نشریه وعی الإسلام، ش ۱۹.

۲۵. فراء، یحیی بن زیاد، بی تا، معانی القرآن، ج ۱، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

۲۶. شرعی، ابوزید محمد، (۱۴۱۹ق)، کویت: جامعة الكويت.

۲۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، بیروت، دارصادر.

۲۸. طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، (۱۴۱۵)، المسترفی إمامة.

۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲)، الکافی، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامیة.

۳۱. «عدالت صحابه در ترازوی تحقیق»، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی.

۳۲. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۱)، تاریخ قرآن، ج ۴، تهران: سمت.

سایت ها

پایگاه اطلاع رسانی آیت الله ناصر مکارم شیرازی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی